

## مقایسه هوش هیجانی و خلاقیت در دانش آموزان شهری و روستایی

باقر قنبری<sup>۱</sup>، صغرا اکبری چرمهینی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup>کارشناسی روان‌شناسی عمومی، دانشگاه اراک

<sup>۲</sup>عضو هیئت علمی دانشگاه اراک

### چکیده

هدف این پژوهش مقایسه عملکرد دانش آموزان دبیرستانی شهری و روستایی (با توجه به امکانات آموزشی؛ غنی و فقیر) در حل مساله خلاق (تفکر واگرا و همگرا) و آزمون هوش هیجانی بود. تعداد ۵۴ دانش آموز پسر دبیرستانی (۲۷ نفر شهری، ۲۷ نفر روستایی) در این پژوهش شرکت کردند. آزمون‌های خلاقیت گیلفورد (تفکر واگرا)، خلاقیت مدنیک (تفکر همگرا)، و آزمون هوش هیجانی بار-آن برای ارزیابی مولفه های مورد نظر در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین نمرات آزمون تفکر واگرا و هوش هیجانی همبستگی معناداری وجود دارد، ( $r=0/36$ ) و  $p=0/008$ ، ولی همبستگی بین نمرات آزمون تفکر همگرا و هوش هیجانی معنادار نبود. نتایج تفاوت معناداری را بین عملکرد دو گروه در آزمون‌های تفکر همگرا و تفکر واگرا نشان داد ولی تفاوت معناداری بین هوش هیجانی دو گروه مشاهده نشد. می‌توان چنین نتیجه گرفت که افراد دارای هوش هیجانی بالاتر در آزمون تفکر واگرا موفق تر بودند. از طرف دیگر عملکرد دانش آموزان در آزمون‌های خلاقیت (تفکر واگرا و تفکر همگرا) با امکانات محیط آموزشی می‌تواند ارتباط داشته باشد.

**کلید واژه ها:** هوش هیجانی؛ خلاقیت؛ تفکر واگرا؛ تفکر همگرا

### مقدمه

پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان تحت تاثیر یک عامل خاص نیست بلکه عوامل مختلف به صورت همزمان بر روی آن تاثیر می‌گذارد، واقعیت آن است که این عوامل و متغیرها چنان در هم تنیده شده‌اند و با یکدیگر کنش متقابل دارند که تعیین نقش وسهم هر یک به دشواری امکان پذیر است. با وجود این، تحقیقات نشان می‌دهد که در بین این عوامل، عوامل آموزشی و فردی با ماهیت شناختی بیشترین تاثیر را بر پیشرفت تحصیلی دارند (سیف، ۱۳۸۶). از جمله‌ی این عوامل می‌توان به هوش هیجانی یا عاطفی و همچنین شیوه‌ی حل مسئله اشاره کرد. هوش هیجانی به دلیل کاربردهای بسیار زیادی که دارد، جایگاه بسیار مهمی به‌ویژه در آموزش و پرورش پیدا کرده است، و به خصوص به دانش آموزان کمک می‌کند تا یادگیری بهتری داشته باشند و خوشحال تر و سالم تر و موفق‌تر از دیگران باشند. به کارگیری اصطلاح هوش هیجانی برای اولین بار در دهه‌ی ۱۹۴۰ مطرح شد. پس از آن مایر و سالووی اصطلاح هوش هیجانی را توصیف کردند. بار-آن هوش هیجانی (EQ) را دسته‌ای از مهارت‌ها، استعدادها و توانایی‌های غیر شناختی می‌داند که توانایی موفقیت فرد را در مقابله با استرس‌ها و اقتضاهای محیطی افزایش می‌دهد. آموزش هوش هیجانی با بالا بردن شناخت فرد از خودش و دیگران، ارتباط با دیگران و سازگاری و انطباق با محیط پیرامونش که برای موفق شدن در برآورده کردن خواسته‌های اجتماعی منجر می‌شود (بار-آن، ۱۹۹۷). در نتیجه هوش هیجانی یک عامل تعیین موفقیت فرد در زندگی است و مستقیماً متغیرهای مربوط به خود شخص (از جمله کارآمدی و عزت) را تحت تاثیر قرار می‌دهد (مایر و سالووی، ۱۹۹۷). هوش هیجانی و استفاده از شیوه‌های حل مسئله خلاقانه به فرد کمک میکند تا حتی علی‌رغم بهره‌مندی از سطح هوش شناختی متوسط یا نه چندان بالا بتواند در زندگی روزمره موفق‌تر باشد.

خلاقیت هم همانند هوش هیجانی از جمله مفاهیمی است که رایج تعریفی از آن که مورد توافق اکثریت پژوهشگران و روانشناسان باشد، دشوار است، بنابراین تعاریف متفاوتی از خلاقیت شده است برخی معتقدان خلاقیت را بر اساس توانایی حل مساله باید تعریف کرد (کلاهر و سیمون، ۱۹۹۹). گلیفورد به عنوان یکی از محققان در زمینه‌ی خلاقیت و سنجش توانایی‌های آفریننده معتقد است که شیوه‌های تفکر افراد دو گونه است: ۱- شیوه‌ی تفکر واگرا ۲- شیوه‌ی تفکر همگرا. در ساخت ذهنی هم تفکر واگرا و هم تفکر همگرا نقش اساسی دارد اما تفاوت آنها در این است که در تفکر همگرا نتیجه‌ی تفکر از قبل معلوم است یعنی همیشه یک جواب درست وجود دارد اما در تفکر واگرا جواب قطعی وجود ندارد و تعداد زیادی جواب وجود دارد که از نظر منطقی ممکن است هر کدام از جوابها به گونه‌ای درست باشد. طی دهه ۱۹۵۰ گلیفورد و همکارانش آزمونهایی برای اندازه‌گیری تفکر واگرا تهیه کردند در همه این آزمونها از شرکت‌کنندگان خواسته میشود که صرفاً به دادن یک پاسخ اکتفا نکند. گلیفورد معتقد است که در تفکر واگرا ۳ ویژگی یا عنصر دخالت دارند: ۱- انعطاف پذیری ۲- اصالت اندیشه ۳- سیالی اندیشه یعنی هر چه تفکری انعطاف پذیرتر. اصیل تر و سیال تر باشد و اگرایی آن بیشتر است و در نتیجه این نوع تفکر خلاق تر است. آزمون گلیفورد برای اندازه‌گیری انعطاف پذیری تفکر (آزمون استفاده‌های غیرمعمول) نام دارد. در این پژوهش خلاقیت به عنوان تفکر واگرا و تفکر همگرا (دو نوع خلاقیت) در نظر گرفته شده است.

امروزه در کشورهای توسعه یافته، شکوفایی و پرورش خلاقیت دانش‌آموزان از مهمترین فعالیتهای آموزشی به شمار می‌رود (سلیمانی، ۱۳۸۱). برای پرورش و شکوفایی خلاقیت، به محیط مناسب نیاز است. رفتار خلاق به متغیرهای محیطی مانند تنوع فرهنگی، قابلیت دسترسی به الگوهای خلاق، قابلیت دسترسی به منابع (حمایت‌های مالی) و دیگر عوامل مربوط به این حوزه نیازمند است (شمس اسفندآباد، ۱۳۸۹). لذا در این پژوهش رابطه دو عامل «هوش هیجانی» و «خلاقیت» در دو محیط آموزشی با امکانات آموزشی خوب و ضعیف مورد بررسی قرار داده شد.

## روش

### شرکت‌کنندگان و طرح پژوهش

تعداد ۵۴ نفر از دانش‌آموزان پسر پایه اول دبیرستان (۲۷ نفر شهری، ۲۷ نفر روستایی) که به صورت تصادفی و از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده بودند در این پژوهش شرکت کردند. پژوهش حاضر از نوع علی مقایسه‌ای بوده است.

### ابزار

**پرسشنامه هوش هیجانی بار- آن (EQ-i):** مقیاس هوش هیجانی بار- آن دارای پنج مقیاس (مهارت‌های درون فردی، مهارت‌های بین فردی، مقابله با فشار، سازگاری و خلق کار) و پانزده خرده مقیاس است. پاسخ‌های آزمون نیز در روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای در ردیف لیکرت (کاملاً موافقم، موافقم، تا حدودی، مخالفم و کاملاً مخالفم) تنظیم شده است. مقیاس‌های آزمون عبارتند از: خود آگاهی هیجانی، خود ابرازی، احترام به خود، عزت نفس، خودشکوفایی، استقلال، همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی، روابط بین فردی، واقع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، حل مساله، تحمل فشار روانی، کنترل تکانش، خوش بینی، شادمانی. مقیاس مهارت‌های درون فردی شامل خرده مقیاس‌های آگاهی هیجانی خود ابرازی احترام به خود خودشکوفایی و استقلال است. مقیاس مهارت‌های بین فردی شامل خرده مقیاس‌های همدلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و روابط بین فردی است. مقیاس مقابله با فشار (کنترل استرس) شامل خرده مقیاس‌های تحمل استرس و کنترل تکانه است. مقیاس سازگاری شامل خرده مقیاس‌های انعطاف‌پذیری، حل مسئله و واقعیت‌سنجی است و مقیاس خلق کلی شامل خرده مقیاس‌های شادی و خوش بینی است (کیانی، ۱۳۸۱). این پرسشنامه دارای ۹۰ سوال است که نخستین پرسشنامه فرا فرهنگی ارزیابی هوش هیجانی است. اعتبار آزمون از طریق محاسبه آلفای کرونباخ: میزان آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۳ گزارش گردید (سموعی و همکاران، ۱۳۸۴).

**آزمون استفاده‌های غیر معمول گلیفورد (تفکر واگرا):** آزمون خلاقیت گلیفورد (۱۹۶۷) با نام "استفاده‌های غیر معمول" که به منظور ارزیابی تفکر واگرا طراحی شده است یکی از معتبرترین آزمونهای موجود برای ارزیابی بهره‌مندی از تفکر واگرا می‌باشد. در این آزمون از شرکت‌کننده‌ها خواسته می‌شود که موارد استفاده از یک شیء معمولی را تا جایی که ممکن است بنویسند. در این پژوهش موارد

استفاده ی ۲ شی (کفش و روزنامه) مورد سوال قرار گرفت. در این آزمون پاسخهای هر فرد از لحاظ اصیل بودن (پاسخ های نادر)، سیالی (تعداد پاسخهای فرد)، و انعطاف پذیری (دسته بندی مستقل پاسخها) نمره گذاری میشوند.

**آزمون تداعی های دور مدنیک (تفکر همگرا):** "آزمون تداعی های دور" مدنیک (۱۹۶۲) از جمله آزمونهای معتبر جهت ارزیابی تفکر همگرا میباشد. در این آزمون ۳ کلمه ی نامربوط مانند "بستنی"، "کوه"، و "شناور" به شرکت کنندگان ارائه میشود، و از آنها خواسته میشود تا کلمه ای پیدا کنند که در صورت ترکیب شدن با این ۳ کلمه، ۳ ترکیب یا اصطلاح با معنی بوجود آید. در این مورد پاسخ کلمه ی "یخ" میباشد که ۳ ترکیب "بستنی یخی"، "کوه یخی"، و "یخ شناور" را بدست میدهد. نسخه ی فارسی این آزمون شامل ۳۰ سوال یا سری کلمات با آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰ مورد استفاده قرار گرفت. نمره ی فرد در این آزمون برابر است با تعداد پاسخهای درست فرد.

## نتایج

داده‌های حاصل از اجرای آزمون‌های خلاقیت (تفکر واگرا و تفکر همگرا)، آزمون هوش هیجانی، و نمرات پیشرفت تحصیلی دانش آموزان شهری و روستایی شرکت کننده در این مطالعه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین نمرات آزمون تفکر واگرا و هوش هیجانی همبستگی معناداری ( $p=0/008$  و  $r=0/36$ ) وجود دارد. ولی همبستگی بین نمرات آزمون تفکر همگرا و هوش هیجانی معنادار نبود. همچنین نتایج آزمون  $t$  مستقل تفاوت معناداری را بین عملکرد دو گروه شهری و روستایی در آزمون های تفکر همگرا ( $p<0/014$  و  $df=52$  و  $t=2/56$ )، و تفکر واگرا ( $p<0/002$  و  $df=52$  و  $t=3/3$ )، و پیشرفت تحصیلی ( $p<0/046$ ) و  $df=52$  و  $t=2/04$ ) نشان داد. ولی تفاوت معناداری بین هوش هیجانی دو گروه مشاهده نشد ( $p>0/05$ ).

## بحث

با توجه به نتایج به دست آمده به نظر می رسد محیط آموزشی غنی و فقیر در عملکرد دانش آموزان در آزمونهای خلاقیت موثر می باشد. در این تحقیق تاثیر قابل ملاحظه ای بر هوش هیجانی ملاحظه نشد که این خود نیاز به بررسی و تحقیق بیشتری دارد عملکرد بهتر دانش آموزان شهری در آزمون تفکر همگرا نسبت به دانش آموزان روستایی می تواند گویای این مطلب باشد که کیفیت بهتر آموزش و برخورداری از محیط غنی تر میتواند در عملکرد آزمونهایی که نیاز به دقت، توجه و تمرکز بیشتری دارند موثرتر باشد. نکته قابل توجه در این پژوهش عملکرد دانش آموزان روستایی در آزمون تفکر واگرا می باشد. این دانش آموزان به طور معناداری عملکرد بهتری نسبت به دانش آموزان شهری در آزمون تفکر واگرا داشتند. می توان چنین گفت که امکانات آموزشی خوب و ضعیف، عملکرد دانش آموزان را در آزمون های خلاقیت و حل مسئله به طور متفاوتی تحت تاثیر قرار می دهد که این امر نیز مطالعات و پژوهش‌های بیشتری را می طلبد.

### منابع

- سیف، علی اکبر. (۱۳۸۶). روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش). تهران: آگاه.
- سلیمانی، افشین. (۱۳۸۱). کلاس خلاقیت. تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- شمس اسفندآباد، حسن. (۱۳۸۹). روانشناسی تفاوت‌های فردی. تهران: سمت.
- Bar-on, R. (1997). *The emotional intelligence (EQ-I): technical Quotient Inventory*. Inr. Bar-on and J.D.A. parker (Eds). Sanfrancisco: Jessy-Bass.
- Guilford, J.P. (1967). *The nature of human intelligence*. New York: McGraw-Hill.
- Mednick, S. (1962). The associative basis of creative problem solving process. *Psychological Review*. 69, 200–232.
- Mayer, J, D., Salovey, P. (1997). *What is Emotional Intelligence?* Emotional development and Emotion Intelligence, Basic book.
- Klahr, D. , H. A. Simon (1999). *Studies of scientific discovery: complementary approaches and convergent findings*.